



باراک اوباما ارتجاع شیعه را به ارتجاع سنی ترجیح می دهد

به قرار اطلاع در روزهای آینده باب مذاکره و برقراری مناسبات «دوستانه» بین رژیم جمهوری اسلامی ایران و باراک اوباما به عنوان رئیس جمهور جدید آمریکا گشوده خواهد شد.

باراک اوباما بارها در جریان انتخابات ریاست جمهوری و پس از پیروزی بر رقیب جمهوریخواه خود از ضرورت کنار آمدن با رژیم جمهوری اسلامی ایران بر علیه طالبان در افغانستان سخن گفته است. این اظهارات نه از روی عدم آگاهی وی از ماهیت رژیم حاکم بر ایران بلکه بخاطر سیاستی است که اوباما برای برون رفت از بحران کنونی آمریکا در منطقه خاورمیانه پیش گرفته است.

همزمان با اظهارات علنی رئیس جمهور جدید آمریکا مبنی بر لزوم برقراری مناسبات «دوستانه» با مرتجعین مذهبی حاکم بر ایران، سران این رژیم نیز بیش از پیش به وجد آمده به هر مناسبتی به تبلیغ جانبدارانه از باراک اوباما می پردازند. پس از پیروزی اوباما سردمداران رژیم جمهوری اسلامی ایران عوام فریبانه می کوشند تا زمینه چرخش و سازش با آمریکا را در اذهان عمومی هموار سازند. مستمسک فریب مردم و پنهان کردن مناسبات قبلی با رئیس جمهور جدید آمریکا، سیاهپوست بودن اوباما و نام حسین است که تبار مسلمانی وی را ثابت می کند. بیهوده نیست که پس از پیروزی اوباما، سران رژیم ایران از نسبت دادن «شیطان بزرگ» به آمریکا خود داری می کنند و برای برقراری مناسبات «دوستانه» و علنی با رئیس جمهور جدید آمریکا روز شماری می نمایند.

اگر چه باراک اوباما در نظر دارد رژیم جمهوری اسلامی ایران را برای پیش برد اهداف خود در منطقه به کار گیرد، اما شکی نیست که کاربرد این تاکتیک لطماتی به مراتب بدتر از استفاده سابق آمریکا از بن لادن و طالبان را در منطقه به همراه خواهد داشت.

اگر ارتجاع سنی به رهبری ملا عمر در افغانستان محدود به این کشور می شد، ارتجاع شیعه به رهبری خامنه ای - احمدی نژاد پرچم کشورگشایی در دست گرفته، در عراق، لبنان، افغانستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس و در اقصی نقاط دنیا به دخالت مستقیم پرداخته است. اگر پس از فاصله گرفتن آمریکا از حکومت طالبان، این جریان مرتجع بقای خود را در پناه استفاده از پول و سلاحهای اهدایی آمریکاجستجو کرد، بطور قطع هنگام فاصله گرفتن آمریکا از مرتجعین حاکم بر ایران مجبور است آنها را با بمب رها سازد.

آیا از دید رئیس جمهور جدید آمریکا زیر پا گذاشتن حقوق بشر، عدم تمکین به اصول و قوانین بین المللی، اعدام مخالفین، شکنجه، به حساب آوردن زنان به عنوان نیمی از جامعه، حجاب اجباری و در یک کلام رواج افکار و خرافات عصر جاهلیت و توحش، ازجانب شیعه ویا سنی فرق دارد؟ اگر چنین نیست چگونه باراک اوباما به خود اجازه می دهد تا بخاطر حفظ منافع و سیادت آمریکا بازهم مردم افغانستان را در انقیاد نگهدارد. از ارتجاع شیعه علیه ارتجاع سنی استفاده کند و چرا دست «دوستی» به سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران دراز کرده است که تاکنون بیش از صد هزار نفر از نیروهای اپوزیسیون ایران را تیرباران کرده، قریب ۵۸ بار از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به عنوان تقص کنندة حقوق انسانی محکوم شده و به عنوان یکی از خوفناک ترین رژیم های دیکتاتوری عصر کنونی شهرت دارد؟!

بدون شک مناسبات آینده امپریالیسم آمریکا به رهبری باراک اوباما با رژیم جمهوری اسلامی ایران در هر سطحی که جامعه عمل پوشد، فقط در جهت تقویت رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران و بر ضد منافع مردم ایران خواهد بود.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۲۶ آبان ۱۳۸۷-۱۶ نوامبر ۲۰۰۸